

ای مردم سودان! به آمریکا و دست‌نشاندها گانش اجازه ندهید سرزمین شما را پایدار کنند؛ فراموش نکنید که شما پاره‌ای از امتی سرگرسیده‌اید که قرن‌ها بر جهان سروری کرد؛ در آن روزگارانی که خلافتی برپا بود و خلیفه‌ای شما را بر اساس کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رهبری می‌کرد. پس برای بازگرداندن شکوه و مجد امت اسلامی در سایه خلافت راشده بر منهج نبوت به پا خیزید و تلاش کنید.



در این شماره می‌خوانید:

مشارکت مصر و چین در گرو نفوذ آمریکا...۲

نیجرا؛ از فراسایش دولت تا نزاع بر سر بازآفرینی آن...۲۰۰

راهبرد ژئوپلیتیک هند در آسیای مرکزی...۳

تنک‌های آبی، کلبه‌های تجارت جهانی در دست کیست؟...۴۰۰

یک فعال رسانه‌ای سودانی خواهان عادی‌سازی روابط با یهود است، در حالی که سلاح‌هایشان هنوز از خون مسلمانان می‌چکد...۴۰۰

چهارشنبه ۲۷ ربیع الاول ۱۴۴۸ هـ، ۹ سپتامبر ۲۰۲۶ م، ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ هـ.

مقاله برگزیده

آیا حضور ترکیه در سوریه، رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند؟

استاد سالم ابو سیستان

برای پاسخ به این پرسش، باید به ماهیت حاکمیت ترکیه و پیوندهای آن با غرب نگرینست و نقش آن را در سوریه چه در واپسین روزهای حاکمیت رژیم بشار اسد و چه پس از سرنگونی‌اش واکاوی کرد.

رژیم ترکیه عضوی از پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است و از حیث نظامی و تعداد نیرو، دومین قدرت این پیمان به شمار می‌رود و آشکار پیداست که این پیمان را آمریکا به پا کرد تا منافعی را در اروپا تأمین نماید و حاکمیت جهانی خود را حفظ کند و ترکیه نیز در مداری حرکت می‌کند که آمریکا ترسیم کرده است؛ همان آمریکایی که رژیم صهیونیستی را زیر پرچمال گرفته، به آن قدرت می‌بخشد و آن را از هرگونه گزند یا مواجهه با قوانین بین‌المللی مصون می‌دارد.

حضور ترکیه در سوریه، اساساً برای حفظ ساختار حاکم بر سوریه رقم خورده؛ ساختاری که ملت سوریه در قیام مبارک سال ۲۰۱۱ علیه آن شوریدند؛ همان انقلابی که خواب را از چشم اوپاما ریود، ارکان حکومت روسیه را به لرزه درآورد و جهان را این میثاک شد که مبدا مسیر تاریخ را دگرگون کند و ورق را برای همیشه برگرداند. از همین روی پس از آنکه برگرهای برنده روسیه و ایران برای برپا نگه داشتن این رژیم فرسوده سوخت و ناکارآمد شد، چاره‌ای نماند جز آنکه از «یرک اهل سنت» به عنوان یک کشتی نجات پذیرفتنی نزد مردم سوریه سود جویند. به کار بستن چنین مهره‌هایی به سحر مهر و لادسوزی برای ملت سوریه بود و نه در پی متوقف ساختن جنایت رژیم خونی‌ریز که با سهمگین‌ترین سلاح‌ها و بشکهای انفجاری به جان مردم افتاده بود؛ بلکه یکی از اهداف اصلی، پیش از آنکه جایگزین مدظن به بار بنشیند، از فرقه‌های گوناگونی رژیم بشار جلوگیری شود؛ رژیمی که بلندگوی جوانان را مصلحت کرده و افزون بر پنج‌ساله از مرزهای رژیم صهیونیستی پاسداری نموده بود. حال با این اوصاف، چگونه ممکن است آمریکا حکومتی را به میدان آورد تا آن رژیم را نجات دهد و در عین حال تهدیدی برای رژیم صهیونیستی باشد؟

با نگرانی و بی‌توجهی به روند رویدادهای آشکار می‌شود که بکارگیری رژیم ترکیه در سوریه به چهار محور و هدف استوار بود:

نخست، پاسداری از رژیم بشار اسد در برابر سقوط، تا زمانی که جایگزینی مطلوب شکل گیرد و به یقین برسد.

دوم، پروردن و مدیریت گروه‌های جانشین که از اتاق‌های فکر و ساختار سیاست‌گذاری آمریکا طرح‌ریزی شده و در طول ۱۱ سال پس از خروش مردم شام گام به گام پیش رفت.

سوم، نگاه گذاشتن قیام مبارک ملت و از میان برداشتن گردان‌ها و فرقه‌های مخفیانه که هدفشان برپایی نظام اسلام بود؛ همان جملاتی که احمد الشرع و دارودست‌هاش به دروغ بر تن کردند.

چهارم، مهار و کسان از نفوذ روسیه در شام، پس از آنکه کارکرد آن در جلوگیری از سرنگونی رژیم پیشین به پایان رسید.

رژیم ترکیه در طول خیزش مردم شام، گوش آنان را از هشدار و خط‌نشان پر ساخت که هرگز نخواهد گذاشت کشتار حلب و دیگر شهرها بازتکرار شود؛ حال آنکه انجوس‌های سیززنگش، مردم شام را آواره و کوچ‌اجباری می‌کردند

تا راه تیرشوری نیروهای رژیم سوریه و همپیمانانش برای بازپس‌گیری آن مناطق باز شود و رژیم‌گذاری را که حاضر به ادغام در نقشه آنان نشده به آن خود رها کردند تا تارومار و سرکوب شوند. بی‌تردید، طرح این کوچ‌اجباری یکی از هولناک‌ترین اقداماتی بود که رژیم ترکیه به اجرا درآورد.

از بنیادین در به شکست کشاندن مبارزات شام، دستمندی جریان‌های سوری به سه دسته بود: نخست، گروه‌های فرمان‌بردار، دوم، گروه‌های انتعاض‌پذیر و مستعد دگرگونی و سوم، گروه‌هایی که باید نابود می‌شدند؛ امری که مبعوم به مرحله اجرا درآمد. کوچ‌اجباری مردم شام نیز با پشتیبانی ترکیه انجام گرفت تا واپسین مقصود آن حاصل شود:

پاسداری از رژیم صهیونیستی به عنوان یک شریک منطقه‌ای.

ترکیه پیوندی دیرینه و استوار با رژیم صهیونیستی دارد و از نخستین دولتهایی بود که پس از اعلام موجودیت، آن را به رسمیت شناخت؛ رهبران ترکیه با بخش عمده آنان از «یهودیان دودمه» بودند که ترکیه سکولار را بر

ترکیه پیوندی دیرینه و استوار با رژیم صهیونیستی دارد و از نخستین دولتهایی بود که پس از اعلام موجودیت، آن را به رسمیت شناخت؛ رهبران ترکیه با بخش عمده آنان از «یهودیان دودمه» بودند که ترکیه سکولار را بر

ترکیه پیوندی دیرینه و استوار با رژیم صهیونیستی دارد و از نخستین دولتهایی بود که پس از اعلام موجودیت، آن را به رسمیت شناخت؛ رهبران ترکیه با بخش عمده آنان از «یهودیان دودمه» بودند که ترکیه سکولار را بر

ترکیه پیوندی دیرینه و استوار با رژیم صهیونیستی دارد و از نخستین دولتهایی بود که پس از اعلام موجودیت، آن را به رسمیت شناخت؛ رهبران ترکیه با بخش عمده آنان از «یهودیان دودمه» بودند که ترکیه سکولار را بر

ترکیه پیوندی دیرینه و استوار با رژیم صهیونیستی دارد و از نخستین دولتهایی بود که پس از اعلام موجودیت، آن را به رسمیت شناخت؛ رهبران ترکیه با بخش عمده آنان از «یهودیان دودمه» بودند که ترکیه سکولار را بر

ترکیه پیوندی دیرینه و استوار با رژیم صهیونیستی دارد و از نخستین دولتهایی بود که پس از اعلام موجودیت، آن را به رسمیت شناخت؛ رهبران ترکیه با بخش عمده آنان از «یهودیان دودمه» بودند که ترکیه سکولار را بر

پیامدهای ویرانگر وابستگی به آمریکای استعمارگر

استاد یوسف ارسلان



استعمار نوین آمریکا تنها به تحمیل سلطه نظامی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه منظومه‌ای اختاپوسی است که نخستین و مرگبارترین عمل پوشاندن با این حال، واقعیت سده اخیر این پندارها را از اساس ضربه خود را بر عقل بشری، شیوه تفکر و جهان‌بینی ملت‌های مستضعف فرود می‌آورد. وابستگی به این قدرت سلطه‌جو، چیزی جز پذیرش صلح با شیطان به امید گردآوری نیرو برای براندازی او در آینده است؛ داوطلبانه زنجیرهای اسارت فکری و سیاسی نیست؛ چراکه ترکیه بر استعمار غربی تحت هر پهنانه، استقلال را بر باد می‌دهد و ملتها را به ابزارهایی تهی از اراده بدل می‌سازد که در خدمت منافع آمریکا عمل می‌کنند. رژیم‌ها به جای فرستادن ارتش‌ها برای یاری ستمدیدگان، به سوپای در ادامه، مروری کوتاه بر پنج پیامد سرنوشت‌ساز ناشی از این وابستگی مهلک ارائه می‌شود:

نخست، سلب هویت فکری و فرهنگی نخستین پیامد هلاک‌بار این وابستگی، ذوب‌کردن فرهنگ امت اسلامی و مبنای عقیدتی آن در بوته تفکر غربی است. آمریکا از ابزارهای گوناگونی همچون ترویج سکولاریسم، تعصبات ملی‌گرایانه، واقع‌گرایی سیاسی و نیز طرح‌های هویت‌زاد مانند «پیمان‌های ابراهیمی» و نظریه گمراه‌کننده «فدرالیسم ابراهیمی» بهره می‌گیرد تا هویت امت را برباید و شعله‌های مقاومت را در جان فرزندان از خاموش سازد. همچنین آمریکا می‌کوشد مانع از وحدت مسلمانان، بازپتان مجد و عزت آنان و یکپارگی جغرافیایی و سیاسی‌شان در سایه خلافت شود؛ امری که از طریق دگرگونی شیوه تفکر سیاسی امت، به خدمت گرفتن حاکمان آن و به کار بستن ابزارهای استعماری نرم و سخت برای گسترش نفوذ در سرزمین‌های اسلامی دنبال می‌شود. هدف غایی این سیاست تجاوزکارانه، جایگزین‌سازی ارزش‌های مادی غرب به جای عقیده اسلامی و سرکوب هرگونه فکر سیاسی مستقل برخاسته از اسلام است تا تداوم سلطه خود را بر سرزمین‌های اسلامی تضمین کند. دوم، توهم مصلحت و خیانت سازمان‌یافته برخی نخبگان و احزاب زیر لوی شاعراهی فریبنده و گمراه‌کننده‌ای چون واقع‌گرایی و مصلحت‌اندیشی سیاسی، مدعی ضرورت برقراری روابط تنگاتنگ با غرب و آمریکا می‌شوند؛ با این بهانه که ابتدا باید

ادامه صفحه ۳

کدامیک از ارتش‌های مسلمانان به شرف نصرت‌بخشی برای برپایی خلافت نائل خواهد شد؟

آمریکا هرگز در اوج قدرت خویش نیست، بلکه در مرحله افول آشکار به سر می‌برد؛ دورانی که در آن لنگ‌لنگان گام برمی‌دارد و بر عمای حمایت دست‌نشاندها و پیروانش در میان مسلمانان تکیه زده است. زوال اقتصادی آمریکا در بحران نجومی دهه‌هایش هویداست، جایی که بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌داری، رمق زندگی شهروندان عادی آمریکا را می‌مکند تا شکم‌های خود را از ربا آکنده سازند. عقب‌نشینی نظامی‌اش در نتوانی از تحمیل اراده بر جریانی در درون سپاه پاسداران ایران که از تسلیم در برابر آن سر باز زد و در عجز سربازان بزدلش از آغاز نبردی زمینی برای پیروزی بر ایران آشکار است. واول سیاسی‌اش نیز در شکاف‌های ژرف درون ساختار حاکمیت پنهان آن نمایان است، آنجا که دموکرات‌ها و جمهوریخواهان به خون یکدیگر دست‌نشانده و متحدان واشنگتن در سراسر جهان از خودخواهی، تکبر و رها شدن از سوی آن، غرق در خشم‌اند.

ای امت اسلام و لشکریان آن! آنچه دل را آکنده از اندوه می‌سازد این است که اگر افسران بااخلاص در ارتش‌های ما این فرصت را غنیمت می‌شمردند، عسکهای دست آمریکا را در هم می‌شکستند و سرزمین‌های اسلامی را در سایه خلافت راشده یکپارچه می‌کردند، بی‌تردید آمریکا را وادار به فرار از ديارها می‌ساختند و آن‌ها تنها همان جناح مقاوم در درون سپاه پاسداران ایران به دای حزب‌التحریر پاسخ می‌داد و برای اقامه خلافت به آن یاری می‌رساند، ایران نقطه‌اتکای استواری برای وحدت‌بخشی به سرزمین‌های اسلامی می‌گشت.

از این رو، بر افسران مخلص در نیرومندترین ارتش‌های مسلمانان، ارتش‌های پاکستان، مجاز، ترکیه و مصر، فرض است که بی‌درنگ برای سرنگونی حاکمان خان به پا خیزند و با یاری‌رساندن به حزب‌التحریر، خلافت راشده بر منهج نبوت را برپا دارند؛ خلافتی که به پیمان با کافران پایان خواهد داد و بلاد مسلمین را متحد خواهد ساخت. پس کدامیک از ارتش‌های مسلمانان به این افتخار دست خواهد یافت که نخستین یارپرسان برای تمکین این دین حنیف باشد؟

ای امت اسلام و لشکریان آن! آنچه دل را آکنده از اندوه می‌سازد این است که اگر افسران بااخلاص در ارتش‌های ما این فرصت را غنیمت می‌شمردند، عسکهای دست آمریکا را در هم می‌شکستند و سرزمین‌های اسلامی را در سایه خلافت راشده یکپارچه می‌کردند، بی‌تردید آمریکا را وادار به فرار از ديارها می‌ساختند و آن‌ها تنها همان جناح مقاوم در درون سپاه پاسداران ایران به دای حزب‌التحریر پاسخ می‌داد و برای اقامه خلافت به آن یاری می‌رساند، ایران نقطه‌اتکای استواری برای وحدت‌بخشی به سرزمین‌های اسلامی می‌گشت.

از این رو، بر افسران مخلص در نیرومندترین ارتش‌های مسلمانان، ارتش‌های پاکستان، مجاز، ترکیه و مصر، فرض است که بی‌درنگ برای سرنگونی حاکمان خان به پا خیزند و با یاری‌رساندن به حزب‌التحریر، خلافت راشده بر منهج نبوت را برپا دارند؛ خلافتی که به پیمان با کافران پایان خواهد داد و بلاد مسلمین را متحد خواهد ساخت. پس کدامیک از ارتش‌های مسلمانان به این افتخار دست خواهد یافت که نخستین یارپرسان برای تمکین این دین حنیف باشد؟

ای امت اسلام و لشکریان آن! آنچه دل را آکنده از اندوه می‌سازد این است که اگر افسران بااخلاص در ارتش‌های ما این فرصت را غنیمت می‌شمردند، عسکهای دست آمریکا را در هم می‌شکستند و سرزمین‌های اسلامی را در سایه خلافت راشده یکپارچه می‌کردند، بی‌تردید آمریکا را وادار به فرار از ديارها می‌ساختند و آن‌ها تنها همان جناح مقاوم در درون سپاه پاسداران ایران به دای حزب‌التحریر پاسخ می‌داد و برای اقامه خلافت به آن یاری می‌رساند، ایران نقطه‌اتکای استواری برای وحدت‌بخشی به سرزمین‌های اسلامی می‌گشت.

مشارکت مصر و چین در گرو نفوذ آمریکا

استاد سعید فضل



شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، روز چهارشنبه ۲ سپتامبر ۲۰۲۴م در سفری اقتصادی و پس از گذشت ده سال از واپسین دیدارش، وارد مصر شد. در این سفر، تقویت همکاری‌ها در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰ «مصر» و طرح «کمربند و راه» بررسی شد و بیش از ۲۰ سند همکاری در زمینه‌های اقتصاد، تجارت، صنعت، زیرساخت‌ها، تأمین، هوش مصنوعی، فناوری اطلاعات و طرح کمربند و راه به امضا رسید. همچنین مرحله سوم منطقه صنعتی مشترک مصر و چین موسوم به «تیدا» در حوزه کانال سوئز کلید خورد تا به سوی بخش‌هایی چون انرژی‌های تجدیدپذیر، خودروسازی، صنایع نساجی، الکترونیک و صنایع مهندسی سوق یابد. افزون بر این، پروامون تعمیق همکاری‌های صنعتی و فناوریانه با تمرکز بر تولید مشترک و انتقال فناوری، به جای بسندکردن صرف به پروژه‌های عمرانی یا واردات کالاهای چینی، تبادل نظر صورت گرفت.

هر ناظر باریکبینی با تأمل در این سفر، بر این حقیقت استوارتر می‌شود که دهان همه آب‌قدرت‌ها برای غارت ثروت‌های غنیم سرزمین‌های اسلامی آب افخته است؛ آنان به این دیار همچون گنجینه‌ای از منابع چشم دوخته‌اند که در انتظار چپاول‌گران است و بازاری مصرفی برای کالاهایی که با انرژی ارزان‌قیمت وارداتی از بلاد مسلمان یا با مواد خامی تولید می‌شوند که با بهایی گراف دوباره به خود مسلمانان فروخته می‌شود. این همین روست که بخش عمده بیست توافق‌نامه امضا شده میان دو کشور، به کام چین تمام می‌شود؛ واقعیتی که تزاری فاحش تراز تجاری میان دو کشور به روشنی بر این گواهی می‌دهد؛ چنان‌که واردات مصر از چین تنها در نیمه نخست سال ۲۰۲۴م به حدود ۱۰۰۴ میلیارد دلار رسیده است، در حالی که صادرات مصر به رقیی کمتر از ۶۰۰ میلیون دلار محدود می‌شود؛ یعنی کسری تجاری نزدیک به ۹۰۸ میلیارد دلار تنها ظرف شش ماه! حال آنکه صادرات چین عمدتاً کالاهای مصرفی است. اما صادرات مصر اقلام حیاتی همچون محصولات کشاورزی و غذایی، کود، مواد شیمیایی و مصالح ساختمانی را در بر می‌گیرد. در شرایطی که چین می‌کوشد بازارهای خود را در سراسر آفریقا و به‌ویژه در مصر بگستراند، حجم سرمایه‌گذاری‌های خود در مصر را به مرز ۱۰ میلیارد دلار رسانده و در پی افزایش آن به ۱۴ میلیارد دلار است؛ آن هم با فعالیت نزدیک به سه هزار شرکت چینی در مصر که حدود ۲۰۰ شرکت از آن‌ها در منطقه اقتصادی کانال سوئز مستقرند. افزون بر این، آغاز مرحله‌ای نو از منطقه صنعتی در کانال سوئز، جایی پای پس فراختر در منطقه راهبردی برای تجارت جهانی به چین می‌بخشد. بدین ترتیب، سفر شی جین‌پینگ فراتر از یک توسعه روابط دوجانبه، بخشی از رقابت چین و آمریکا بر سر بازارهای تجاری در خاورمیانه و آفریقا به شمار می‌رود.

با وجود آنکه سفر شی جین‌پینگ فرصت‌های اقتصادی و فناوریانه مهمی را برای چین به‌ویژه در زیرساخت‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و سرمایه‌گذاری در بر دارد، اما ناگاهی سیاسی

تراپ ماهیت استعمارگر آمریکا را بر ملا می‌سازد

ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به موقیعت کشورش در غارت بیش از ۵۰ میلیارد بشکه از ذخایر نفت ونزوئلا فخر فروشی کرد و گفت: «روبو، وزیر امور خارجه و هگست، وزیر جنگ، بر پایه رهنمودهای او توانسته‌اند سلطه آمریکا بر بخش اعظم ذخایر اثبات‌شده نفت ونزوئلا به میزان بیش از ۶۵ میلیارد بشکه را بدون هیچ هزینه‌ای برای ملیت‌دهندگان آمریکایی تضمین کنند». در همین زمینه، دفتر رسانه‌های مرکزی حزب‌التحریر در بیابانهای مطبوعاتی اعلام کرد: ترامپ با فخر فروشی به این کشور، به کشورهای مسایح از سوی کشورش، پرده از رازی برنگرفته است؛ غارتی که نه از سر حق بوده و نه دلیلی موجه داشته، بلکه تنها به این سبب رخ داده که آمریکا قدرتمندتر است، تا بدین سان قانون جنگل را جاری سازد؛ قانونی که در آن قوی، ضعیف را می‌بلعد! ماهیت آمریکا نه رازی نهفته است و نه پدیده‌ای نوظهور، بلکه از بدو پایه‌گذاری‌اش بر همین اساس استوار بوده است؛ چراکه این کشور بر چمچه‌های میلیون‌ها تن از بومیان اصلیتی بنا نهاده شد که به دست بنیان‌گذاران اروپایی به قتل رسیدند. سپس چهره حقیقی آمریکا پس از نیمه قرن گذشته و با خروج از آنزوا، در زشت‌ترین صورت خود آشکار گردید تا استعمار کشورهای جهان را آغاز کند؛ از این‌رو سرزمین‌های اسلامی را اشغال کرد، بخش عمده‌ای از آن‌ها را به استعمار درآورد و حاکمانی مزدور را بر ملت‌های آن گمارد که سست‌ترین عذاب‌ها را بر آنان تحمیل کردند. کشورها را به خاک سیاه فقر نشانند و ثروتمانی‌ها را چپاول کردند؛ تا بدان‌جا که بلاد مسلمان ضرب‌الظلم فقر، گرسنگی و عقب‌ماندگی‌ها شد؛ در حالی که سرزمین‌هایشان سرشار از ثروت، نفت، گاز و معادن است، می‌پندید که نمود بقر، آب، نان، دارو و تجهیزات تیران‌ها در رنجند؛ زیرا ثروتمانی‌هاش به دست حاکمان رنجور شده تا دست استعمارگران آمریکا و اروپایی سیر شود!

از این‌رو، تمام جهان نیازمند برپایی دولت خلافت رانده است تا عدل و رحمت را به همه ملتها بازگرداند و ریشه استعمارگران، مستکبران و سرکشانی چون ترامپ را برکند. اسلام مایه رفعت شان انسان‌هاست و آنان را از تاریکی‌ها، فقر و تنگنا به سوی نور و رحمت و فراخی رهنمون می‌شود و تاریخ مسلمانان و حکومت آنان بر این حقیقت گواهی می‌دهد. این اسلام بود که میان سرخ و سیاه، عرب و عجم و درویش و امیر برابری نهاد و دولش هرگاه سرزمینی را می‌گشود، آن را از سر سرپرستی، خدمت و عدالت زیر یال بر می‌گرفت، نه از سر چپاول، استعمار و دست‌اندازی؛ تا این فرموده الله سبحانه‌وتعالی تحقق یابد: «وَمَا أَتَمْنَىٰ إِلَّا رَحْمَةً لِّعَالَمِينَ.» و «تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرتستایم.»

نیجرا؛ از فرسایش دولت تا نزاع بر سر بازآفرینی آن!

مهندس و سام الاطرش

نیجرا در پی شورش نظامی که ابعادا شنبه ۲۹ اوت ۲۰۲۴ میلادی، آغاز شد، وارد مرحله تازه‌ای از تنش‌های امنیتی و سیاسی شد؛ رخدادی که خطرناک‌ترین چالش درونی پیش‌روی رژیم ژنرال عبدالرحمن چپانی از زمان به قدرت رسیدنش در ژوئیه ۲۰۲۳ به شمار می‌رود.

بر پایه بیانیه رسمی وزارت دفاع، این تحرک پس از نیمه‌شب آغاز شد؛ آن‌گاه که گروهی از نظامیان شماری از هم‌قطاران خود را در داخل پایگاه هوایی ۱۰۱ مستقر در محوطه فرودگاه بین‌المللی «دیوری هانانی» به اسارت گرفتند و سپس به سوی پایگاه‌های حساس پایتخت آتش گشودند. وزیر دفاع اعلام کرد که نیروهای امنیتی و دفاعی بی‌درنگ دست به اقدام زدند و مهار تدریجی مواضع هدف‌قرارگرفته را آغاز کردند. (الجزیره، ۲۹/۸/۲۰۲۴)

اما آنچه رخ داد، صرفاً یک تمرّد محدود درون‌پادگانی نبود؛ صدای شلیک‌های پیاپی و انفجارهایی در حوالی فرودگاه، پایگاه‌های و کاخ ریاست‌جمهوری به گوش رسید، در حالی که شورشیان می‌کوشیدند به کانون‌های قدرت در قلب پایتخت نزدیک شوند. این تحرک همچنین ساختمان تلویزیون ملی را نیز تهدید کرد و بخش برنامه‌های آن ساعت‌ها متوقف شد تا آنکه بار دیگر روی آنتن بازگشت؛ رویدادی که بار معنایی سیاسی روشنی در بر دارد، چراکه تسلط بر رسانه‌ها رسمی، عنصری بنیادین در هر اقدام کودتایی یا هدف قبضه پایتخت و نهادهای حاکمیتی محسوب می‌شود. (روزنامه الخليج، ۲۰۲۴/۰۸/۳۰)



خود به چپانی استوار ماند و توانست شورشیان را از پیرامون کاخ به عقب براند؛ پس از آن نیز مقام‌های رسمی از مهار شورش، بازپس‌گیری مواضع مورد هدف و بازگشت اوضاع به وضعیت عادی خبر دادند و پروازها در فرودگاه دیوری هانانی از سر گرفته شد. درباره آمار تلفات، مقامات رقم پیاپی دقیقی ارائه ندادند، اما تلویزیون دولتی آن کشته و بازداشت شدن ده‌ها نظامی سخن به میان آورد.

با این همه، اهمیت رخداد یادشده تنها در شمار تلفات خلاصه می‌شود، بلکه در ماهیت اهدافی نهفته است که شورش آن‌ها را هدف قرار داد. پایگاه هوایی ۱۰۱، فرودگاهی، کاخ ریاست‌جمهوری و تلویزیون ملی، اصلی‌ترین کانون‌های اقتدار نظامی، سیاسی و رسانه‌ای در کشور به شمار می‌آیند. نکته پرمعناتر آنکه پایگاه ۱۰۱ در سال جاری خود آماج دو حمله دیگر نیز قرار گرفته بود؛ نخستین بار در ژانویه، هنگامی که شامخ ساحل داعش بدان یورش برد و مقامات آن کشته شدن ۲۰ تن از داعش را زخمی شدن چهار سرباز خبر دادند و بار دوم در ژوئن، زمانی که گروه «نصره الاسلام والمسلمین» مسئولیت حمله را بر عهده گرفت؛ یورشی که به گزارش وزارت دفاع به کشته شدن ۱۱ تن از نیروهای امنیتی و دو غیرنظامی، در برابر هلاکت ۲۲ مهاجم و بازداشت نزدیک به ۲۰ مظنون انجامید. اهمیت این پایگاه از موقعیت مکانی آن، در فرودگاه دیوری هانانی و نقش آفرینی‌اش در توان هوایی و شناسایی ارتش، از جمله یگان پهبادی، سرچشمه می‌گیرد. از این‌رو، دگرگونی وضعیت آن از هدفی برای گروه‌های مسلح به محضه این‌بار شورش درون‌سازمانی، این پایگاه را به نمادی آشکار از شکنندگی سامانه امنیتی در ساختار حاکمیتی چپانی بدل ساخته است.

این حکومت سرسپرده به آمریکا، امروز خود را برابر نیروهای نااهمگون می‌پندد، از گروه‌های مسلح تا نظامیان متعزّد، که در عمل بر سر هدف قرار دادن همین پایگاه هم‌راست شده‌اند؛ مرکز که نماد نظامی و حاکمیتی آن در گذر تاریخ به نفوذ فرانسه در نیجرا گره خورده بود. بدین ترتیب، یکی از برجسته‌ترین نقاط قوت دولت که می‌بایست سنگری نفوذناپذیر برای پاسداری از پایتخت و پدافند حریم هوایی آن باشد، به پاشنه آشوبی آسیب‌پذیر بدل گشت؛ گویی نااهمگونی مخالفان حکومت، مانع از تلاقی منافعشان در ضربه زدن به یکی از ارکان قدرت آن و کشاندن این نماد اقتدار امنیتی به تالابویی از ضعف شده است.

مفهوم این شورش فراتر از مرزهای خود پایگاه می‌رود و تعارضی را بازتاب‌دهنده که از بدو رسپند به قدرت، گریبانگیر چپانی بوده است. این انزلال در ژوئیه ۲۰۲۳ رئیس‌جمهور منتخب، محمد بازوم، را برکنار ساخت و او را به تضعیف امنیت کشور متهم کرد؛ چراکه حاکمیت در مهار گروه‌های مسلح و مسلح و برقراری امنیت، از پیام‌های ترسناک‌ترین دستاویزهای کودتا بود. اینک پس از سه سال، حاکمیت با دیگر رو در روی همان مشکل قرار گرفته، از آن سیمایی پس هولناکتر؛ فرسایش امنیتی دیگر تنها ارتش را در نبرد با دشمنان بیرونی نمی‌فرساید، بلکه انسجام درونی آن را نیز نشانه رفته است؛ گزارش‌ها حاکی از آن است که سرخوردگی ناشی از تداوم آلودگی و فشارهای فزاینده نظامی، از مولف‌های برانگیخته‌اند

شورش در میان گروهی از سربازان بوده است. بدین سان، بحران از کارزاری میان دولت و گروه‌های مسلح، به بحران اعتماد درون بدنه ارتش بدل می‌شود؛ فرآیندی که خطرناک‌ترین روند فرسایش را بر نهاد نظامی تحمیل می‌کند. از الله سبحانه‌وتعالی مسئلت داریم که مگر مکاران را به خودشان بازگرداند و بر برپایی خلافت رانده بر منچ نتواند؛ پس مسلمانان شتاب فرماید؛ خلافتی که شاهد بر چپمان افکاران استعمارگر برآشوبد. «وَمَا أَتَمْنَىٰ إِلَّا بِنِجْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.»

ادامه : پیامدهای ویرانگر وابستگی به آمریکای استعمارگر

نیز گواهی انکارناپذیر بر این واقعیت است؛ چراکه آمریکا ابتدا از نخست‌وزیر پیشین، عمران خان، برای تثبیت نفوذ منطقه‌ای خود بهره گرفت و به محض پایان تاریخ مصرف وی، از طریق سند تلگرافی محرمانه می‌رود. موسوم به «سایفر» با شماره ۶۷۸-۱ و با تبابی فرماندهی ارتش پاکستان، علیه او دسیسه‌چینی کرد؛ در نتیجه او از قدرت برکنار و با قطعیت روشن ثابت می‌کند که رهایی از بدهای استعمار جز با روانه زندان شد. آری، آمریکا مهره‌های خویش را بی‌هیچ ترمیمی پس از فرسایش و مصرف دور می‌اندازد و فراتر از آن، پیامدهای شکست، فساد و هرج‌ومرج حاکم بر جوامع را نیز بر دوش آنان بار می‌کند! پنجم، آمریک؛ تهدیدی جهانی سلطان استعمار آمریکا در مرزهای سرزمین‌های اسلامی متوقف نمی‌شود، بلکه تمامی بشریت زیر سنجینی آن ریخ می‌کشد و بحران اوگریش و قربانی‌کردن کیفی در نبرد ژئوپلیتیک ناتو، شاهدی است بر این محاسنت. در آمریکای لاتین نیز رویدادهای اخیر ونزوئلا ماهیت غارتگرانه این هژمونی را برملا ساخت؛ جایی که پس از سال‌ها محاصره اقتصادی مرگبار تحمیل‌شده بر کاراکاس، آمریکا سلطه خود را تحکیم

ادامه : آیا حضور ترکیه در سوریه، رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند؟

ویرانه‌های دولت خلافت عثمانی بنا نهند. این پیوند زمانی به آوج آشکاری رسید که این رژیم مشروع بر پی عملیات طوفان‌الاقصی به کمک و پشتیبانی نیاز مرم پیدا کرد؛ ترکیه بود که در طول جنگ علیه مردم غزه و ارتکاب هولناکترین جنایات تاریخ، نفت و انرژی جمهوری آذربایجان را به سوی آن سرازیر سات و مهمات، سوخت، غذا و دارو در اختیارش نهاد؛ واقعیتی هستند که نیازمند هیچ جست‌وجو و اثباتی نیست و بسیاری از چهره‌های حزب اردوغان نیز بدان اذعان کرده‌اند.

رژیم صهیونیستی پس از سر کار آمدن جریان دست‌نشانده‌ای که زیر نظر آمریکا و ترکیه پرورده، محافظت و تچیز شده بود، دست به ۶۰۰ حمله هوایی زد و عمده توان نظامی سوریه را در هم کوبید و حتی کاخ ریاست‌جمهوری را هدف قرار داد. جگنده‌کنی آن در پیش چشم رژیم ترکیه و اردوغان، شبنم‌روز حریم هوایی سوریه را وپایل می‌کنند، با این همه، از سوی انکارا جز محکومیت‌هایی شرم‌ده، تهدیدهایی پوشانی، هیاهوهایی بی‌حاصل و پهلوآون‌پنبازی‌هایی دون‌گیش‌و‌وات چیزی دیده نشد؛ تا بدان‌جا که آتش گردنگشی رژیم صهیونیستی به فرودگاه نظامی «بوالقهور» نیز رسید؛ دست‌اندازها با تبابی و همراهی آمریکا، ترکیه و رژیم‌های عربی است.

بهار پیش‌رو، بهار خلافت راشده است

ای فرزندان امت اسلام! رسالت اسلام و مسلم‌پندم‌کردن نظام سرامیدداری و آرایش چهره زشت آن نیست؛ کارکرد اسلام سازش با ستم نیست، بلکه برکندن آن از ریشه است. رسالت اسلام، انتقال بشریت از تاریکی‌های سرامیدداری به سوی نور اسلام و از بیدادگری و جنایت آن به دادگری و آرامش است. اسلام امت را انسان‌ها را از ستم نظام‌های بشری به سوی علم شریعت و از بندگی انسان برای همنوع خویش، به بندگی الهه یگانه و بی‌شریک رهنمون سازد؛ این همان اسلامی است که بر پی جهان‌پیشانی مسیحیت، اسلام را به جهان برای می‌راند، که آنکه در کنفی به زبونی کشیده شده است.

پس افرزندان امت اسلام! این بشر و بشری در کنار کسانی گام بردارید که در راه بازگرداندن آن به جایگاه راستینش می‌کوشند؛ پیشوای بشریت نه دنیاه‌رو، حاکم نه محکوم و سرافراز نه خوار و زبون؛ چراکه برای امت راه نجاتی جز از رهگذار خلافتی که برکنندگی‌اش را گرد آورد، حاکمیتش را بازستاند، و سرافرازش را به اجرا درآورد و پیامش را به جهان‌بان برساند، وجود ندارد. الله سبحانه‌وتعالی ما وعده را به ما داده است. «ان تنصروا الله ینصركم و ینتصت اقدامکم»؛ اگر الله را یاری کنید، شما را یاری می‌فرماید و گام‌هایتان را استوار می‌دارد؛ و یاری‌رساندن به الله سبحانه‌وتعالی در نصرت دینش، حاکم‌ساختن شریعتش و برپایی حکومتش تجلی می‌یابد و ما به اذن الله سبحانه‌وتعالی بر این باوریم که بهار پیش‌رو، بهار خلافت خواهد بود؛ «فیصله الذین ظفوا اى مغقلب یقلبون» و «آن‌ا که ستم کردند بجزودی خواهند دانست که به چه بازگشت‌هایی بازمی‌گردند». «یوقولون متی هو قل عسی ان یکون قریباً»؛ «و می‌گویند؛ آن چه وقت خواهد بود؛ بگو، چه بسا نزدیک باشد».

ای جوانان اسلام و ای ارتش‌های مسلمانان، بیدار شوید و در کنار ما برای برپایی خلافت راشده تلاش کنید

ای فرزندان امت اسلام به طوع عامر شما را فرا می‌خوانیم تا برای کوتاه کردن دست غرب که در سرزمین‌ها و ثروت‌های ما دست‌اندازی می‌کند به پا خیزید؛ چراکه زمان آن فرا رسیده است تا از آرمان‌های سرنوش‌ساز خویش پاسداری کنیم و آن‌ها را در پهنه واقعیت تحقق بخشیم؛ که وال‌ترین آن‌ها به‌پیرزی دولت خلافت است؛ دولتی که در سایه آن می‌توانیم با غرب ه‌ماوردی کنیم. آن را از سرزمین‌هایمان بیرون رانیم و ثروت‌های خویش را در مسیر که خشودنی پروردگار را در پی دارد به کار گیریم. دستبستی به حاکمان خانن، قوانین بر ساخته بشر و حکومت‌هایی که هرگز نماندند ما نیستند (جمهوری، سکولار، دموکراتیک و مانند آن‌ها) دیگر سب است؛ پس بیایید، به حکومتی بازگردید که الله سبحانه‌وتعالی ما را به اجرای آن فرمان داده است؛ چراکه خیر ما و خیر جهان در آن نهفته است. الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وان احکم بینکم بما انزل الله ولا تتبع اوهامهم»؛ «و میان آنان بدانچه الله تبارک کرده داور کن و آن هواهای نفسانی‌شان پیروی مکن».

ای جوانان اسلام و ای ارتش‌های مسلمانان! بیدار شوید و برای برپایی خلافت راشده که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم مژده آن را به ما داده‌اند همگام با تلاش کنید؛ زیرا اگر به دین خویش بازنگردیم و به دستاویز استوار الهی چنگ نزنیم، هرگز راه نجاتی برای ما نخواهد بود. الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «لا اکره فی الذین قد تبین الازشد من الفی فکن یکنفر بالظنوف زویمن بالله فقد استعنتک بالفروء الولفی نا انقسام لها و الله سمیع علیم»؛ «در دین هیچ اجباری نیست؛ بی‌تردید راه رشد از گمراهی‌ها بازشناخته شده است؛ پس هر کس به ظنوف کفر ورزد و به الله ایمان آورد، بی‌تردید به دستاویزی استوار چنگ زده است که هرگز گسستنی نیست و الله شهودای داناست».

معضل راستین پاکستان، چنگال نیرومند استعمار بر آن است

ای اهل قدرت در پاکستان! معضل بنیادین پاکستان، چنگال نیرومند استعمار بر امور و شئون آن و این حقیقت است که هیچ‌یک از مسائلش بر مدار شریعت اسلامی رقم نمی‌خورد؛ امری که به مثابه خیانت به کلمه حق، «لا اله الا الله، محمد رسول‌الله» به شمار می‌رود. با این همه، نتخیگان کشوری و لشکری بیروای این امر را ندارند، بلکه گمانه دفع‌مغشمان قدرت خویش است که شایبه‌رو برای ماندگاری آن می‌کوشد. زمان آن فرا رسیده است که به جای تماشایچان خاموش ماندن، به مسئولیت خویش عمل کنید. قدرت را از چنگال این نتخیگان فاسد بازستانید و آن را به صاحب شرعی‌اش پسپارید؛ امتی که در حزب‌التحریر تجلی یافته است؛ جبرانی که با سزاورگ و آمادگی کامل برای اقامه دومین خلافت راشده بر منجع نبوت به میدان آمده و با طریخی فراگیر پیش روی شما ایستاده است؛ پس به پیش آید و سهم خویش را در ادای این فریضه ادا نمائید.

الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «فا وزکت نا یؤمنون حتی یتکونکم فیما شئز بینکم ثم نا یجذوا فی انفسهم حرجاً ما فقیئت ویستلوا تسلیما»؛ «سوگند به پروردگارت که ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در اختلافات خویش به داوری گیرند، سپس از حکمی که صادر کرده‌ای در درون خویش احساس دل‌نگنی و دردگیری نیابند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند»؛ و الله تبارک و تعالی می‌فرماید: «افحکم الجاهلیة ینفون ومن اذین من الله حکما یقوم یوقنون»؛ «آیا جویای حکم جاهلیت هستند؟ و برای مردمی که یقین دارند، چه کسی در داوری بهتر از الله است؟» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلهم‌وسلم فرمودند: «و هر کس می‌برد و بیعتی بر گردن نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است» (صحیح مسلم).

راهبرد ژئوپلیتیک هند در آسیای مرکزی

استاد اسلام ابو خلیل – ازبکستان



سفر ناندرنا مودی، نخست‌وزیر هند، به ازبکستان در روزهای ۲۹ و ۳۰ اوت ۲۰۲۶ را باید رویدادی فراتر از دیدارهای دیپلماتیک معمول دانست؛ چراکه این رخداد بخش مهمی از سیاست خارجی هند با هدف ارتقای جایگاه اقتصادی و تثبیت موقعیت استراتژیک و انرژی این کشور در منطقه آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهد.

ازبکستان و هند روابط دیپلماتیک خود را در سال ۱۹۹۲ همدگرایی کردند و در سال ۲۰۱۱ آن را به سطح شراکت استراتژیک ارتقا دادند. در ۳۰ اوت ۲۰۲۶، این پیوندها به یک سطح «شراکت استراتژیک جامع» فرا رفت و دو طرف بر سر گسترش همکاری‌ها در بخش‌های بازرگانی، سرمایه‌گذاری، انرژی، معدن، مواد معدنی حیاتی، دفاع، صنایع بین‌المللی و داروسازی، کشاورزی، فناوری اطلاعات و آموزش به توافق رسیدند. همچنین برقراری سازوکار معافیت واردید ۳۰ روزه برای شهروندان ازبکستانی لازم هند تصویب شد. هدف‌گذاری افزایش حجم مبادلات بازرگانی دوجانبه به ۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰ با ثبت رسید و توافقی پیرامون سازوکار بلندمدت تأمین اورانیوم از ازبکستان به هند حاصل شد. با این حال، پرسش بنیادین همچنان پابرجاست: چرا هند در این برهه زمانی ویژه تا این اندازه به ازبکستان و آسیای مرکزی اهمیت می‌دهد؟

چین، رقیبی ناگزیر از تداوم ارتباط؛ چین برای هند رقیب اصلی ژئوپلیتیکی در آسیا به شمار می‌رود. تنش‌های مرزی در رشته‌کوه‌های هیمالیا، همگرایی چین و پاکستان و نفوذ روزافزون چین در آسیای مرکزی همواره موجب نگرانی دهلنو است. با وجود این، هند استقلال راهبردی را بر تقابل مستقیم با یکن ترجیح می‌دهد. هم‌زمان با گسترش شبکه‌های ترابری و بازرگانی چین در اوراسیا در قالب طرح «کمربند و راه»، هند نیز به سهم خود در تلاش برای پی‌ریزی مسیرها و جایگزین‌های تجاری است. جغرافیه، مانع بنیادین پیش‌روی هند؛ هند فاقد مسیر زمینی مستقیم به آسیای شرقی است و دسترسی از خاک پاکستان نیز به دلیل اختلافات سیاسی همواره مسدود یا بسیار محدود مانده است. از همین‌رو، دهلنو اهمیت راهبردی برای بندر چاچهار ایران و کریدور بین‌المللی ترابری شمال-جنوب را قائل است. گذرگاه می‌تواند هند را از مسیر ایران به آسیای مرکز، قفقاز و روسیه پیوند دهد. بدین ترتیب، آسیای مرکزی برای هند صرفاً بازاری تجاری نیست، بلکه فرصتی استراتژیک برای خلق مسیر اوراسیایی و ممنون از نفوذ چین و پاکستان به شمار می‌آید. روسیه همچنان همکار مهمی؛ با وجود نزدیکی هند به غرب، این کشور روابط خود را بر روسیه در زمینه‌های نظامی، فنی، انرژی و هسته‌ای حفظ می‌کند. با این حال، افزایش وابستگی روسیه به چین در پی جنگ اوکراین، هند را به بازنگری در محاسباتش واداشته است. از این‌رو دهلنو می‌کوشد در عین حفظ روابط با مسکو، جایگاه مستقل خود را در آسیای مرکزی تقویت کند. چرا مشخصاً ازبکستان؟ ازبکستان در قلب منطقه جای گرفته، با تمام کشورهای آسیای مرکزی هم‌مرز است، از بازاری گسترده و منابع غنی مواد معدنی راهبردی بهره می‌برد و روابطی متوازن با چین، روسیه، ترکیه، آذربایجان و اروپا برقرار ساخته است.

سفر بختیار سیدوف، وزیر امور خارجه ازبکستان، به هند در روزهای ۳ و ۴ اوت ۲۰۲۶، گامی اساسی در این مسیر بود؛ جایی که همکاری‌ها در بخش‌های تجارت، داروسازی و فناوری اطلاعات به بحث گذاشته شد. پس از آن نیز سفر مودی به ازبکستان رقم خورد تا این روابط را به سطحی تازه ارتقا بخشد. اورانیوم صرفاً کالایی معمولی نیست؛ اورانیوم ماده‌ای گرهمورده با انرژی، فناوری هسته‌ای و امنیت راهبردی است؛ بنابراین، مسئله صرفاً به میزان اورانیوم فروخته‌شده محدود نمی‌شود، بلکه به شرایط واذگاری آن، محل ایجاد ارزش افزوده و اینکه آیا ازبکستان به فناوری دست خواهد یافت یا تنها به منبعی برای صدور خام بدل می‌شود، بستگی دارد.

این موضوع امر جدیدی نیست؛ طبق داده‌های پارلمان هند، در سال ۲۰۱۹ قراردادی بلندمدت با ازبکستان برای تأمین ۱۱۰۰ تن کسناستره اورانیوم طبیعی جهت دوره ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ به امضا رسید. هند توانمندی غنی‌سازی اورانیوم و برنامه تسلیحات هسته‌ای دارد و برخی از تأسیسات راهبردی هسته‌ای‌اش نیز ذیل نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار ندارد. از همین‌رو، شفافیت در زنجیره تأمین بجدی اورانیوم ازبکستان، موارد مصرف و شرایط صادرات آن، اهمیت استراتژیک می‌یابد. مرحله کنونی از سوی چین نیازمند منابع و حمل‌ونقل است، از سوی روسیه محتاج بازار و نفوذ منطقه‌ای، از جانب ترکیه و آذربایجان نیازمند کریدورها و پیوندهای لجستیکی و از طرف اروپا محتاج منابع و مسیرهای جدید؛ در حالی که هند به منابع، بازارها و راه دسترسی به آسیای مرکزی چشم دوخته است. نباید از یاد برد که همکاری میان این دو کشور به مخالفت آشکار آمریکا برمی‌گردد و روسیه نیز، بلکه چه بسا در پاره‌ای جنبه‌ها با سیاست آمریکا جهت ایجاد موازنه در برابر نفوذ چین در آسیای مرکزی هم‌پوشانی داشته باشد. مقامات ازبک احترامی فراوان به نخست‌وزیر دولتی غاصب و قاتل مسلمانان قمار می‌کنند. اگر ذره‌ای از پروردگارشان و از امت مسلمان خود شرم داشتند، به‌جای میزبانی از اوج‌زده‌ان، به مجازات نمایندگان چنین رژیم‌های جنایتکاری برمی‌خاستند! افتخار رهبری امت اسلامی و نجات آن تمییب هر کسی نمی‌شود؛ بلکه نیازمند ایمانی تاب و کرداری شایسته است که منزلت انسان را نزد الله سبحانه‌وتعالی رفعت بخشد. وجود چنین پیشوایی در عرصه سیاست بین‌الملل امروز، ضرورتی حیاتی همچون آب و هوا یافته است.

الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «یا ایُّها الذین آمنوا لا تنحذروا عذوبی وعذوبکم اولیا؛ تلقون الینهم بالمؤذنه وقد کفرُوا بما جانکم من الحق یخرجون الرسول واولیکم ان یؤمنوا بالله ینکم ان کتتم خَبرَکم جُداداً فی سبیلی وابتغا؛ مرضاتی تسَرون الینهم بالمؤذنه وانا اعلم بما اُخفیتم واما اعلنتم ومن یغلطه نکتم فقد ضل سوا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید که با آنان پیوند مهر افکنید، در حالی که آنان به حقّی که بر شما آمده کافر شده‌اند و پیامبر و شما را به جرم آنکه به الله سبحانه‌وتعالی، پروردگارتان، ایمان آورده‌اید بیرون می‌رانند؛ اگر برای جهاد در راه من و طلب خشودن‌ام بیرون آمده‌اید، پنهانی با آنان دوستی موزید، در حالی که من به آنچه پنهان داشته‌اید و آنچه آشکار ساخته‌اید داناترم؛ و هر کس از شما چنین کند، بی‌تردید از راه راست منحرف گشته است».

چه زمان عظمت قدرت برانکند در دست‌هایمان را در خواهیم یافت؟!

مقامات دولتی و شرکت‌ها می‌گویند لهستان، در حالی که بزرگ‌ترین ارتش اروپا را پی می‌ریزد، به سوی شرکت‌های صنایع دفاعی داخلی و دیگر شرکت‌های دفاعی در اروپای مرکزی روی آورده است تا وابستگی به تأمین‌کنندگان دوردستی را که قادر به تسریع روند تحویل تجهیزات نیستند، کاهش دهد.

تعلیق؛ ای مسلمانان! اگر کشوری مانند لهستان دریافت‌ه است که تصمیم‌گیری مستقل نیازمند صنعت، اقتدار و منابعی است که حکومت بتواند بر آن‌ها مهر زند، پس سزاورتر آن است که شما نیز عظمت توان و نیروی پراکنده در دستانتان را دریابید.

سرزمین‌های شما نه از ثروت بهره‌راند، نه از موقعیت راهبردی، نه از مردان پول‌داین و نه از اندیشه‌ها سرشار؛ اما این توانمندی‌ها میان ساختارهایی تقسیم شده که مرزهای ساخت استعمار آن‌ها را از یکدیگر جدا ساخته است؛ تا بدان‌جا که قدرت این امت یگانه، به ده‌ها نیروی کوچک بدل گشته که هیچ‌یک به تنهایی از وزن و هویت امت یکپارچه برخوردار نیست!

از این‌رو، نباید با چشم‌ان تماشاچی به این درگونی‌های بین‌المللی نگریست، بلکه باید با نگاه امتی بدین تحولات چشم دوفت که حامل ایدئولوژی و پیامی برای جهانیان است. آنچه از تغییر موازنه‌های قدرت و ترک برداشتن روش‌های کهن مشاهده می‌کنیم، باید یقین ما را فرونی بخشد که واقعیت موجود هر اندازه هم استوار بنماید، درگروندپیر است و وقیفه ما چشم‌دوختن به نظام بین‌الملل نوینی نیست که آمریکا، چین یا اروپا آن را پی‌ریزی کند، بلکه تلاش خشگی‌ناپذیر برای ازس‌گریزی زندگی اسلامی از رهگذار برایی خلافت راشده بر منجع نبوت است؛ خلافتی که قدرت، ثروت‌ها و اراده سیاسی ما را در ساختاری یگانه گرد آورد و جایگاه شایسته‌مان را در میان ملت‌ها بازپس ببرد.

